

اولین مانیفست<sup>1</sup> Ni Una Menos

ترجمه: نسترن اسدی

3 جون 2015

یک

سال 2008 در هر 40 ساعت یک زن کشته شد؛ سال 2014 در هر 30 ساعت یک زن کشته شد. در 7 سال گذشته، رسانه‌ها از 1808 مورد زن کشی خبر داده‌اند. در سال 2015 چند زن فقط به خاطر زن بودن به قتل رسیدند؟ نمی‌دانیم. اما می‌دانیم که دیگر بس است. در این سال‌ها، زن کشی حدود 1500 دختر بچه و پسر بچه را یتیم کرد و تعدادی از آنها مجبورند با قاتل‌های [مادرانشان] زندگی کنند. مشکل متعلق به همه‌ی زنان و همه‌ی مردان است. راه‌حل را باید با هم بسازیم. باید برای تغییر فرهنگی که تمایل دارد زنان را به عنوان یک شیء مصرفی و دور انداختنی و نه به عنوان یک فرد مستقل/مختار در نظر بگیرد هم‌پیمان شویم.

زن کشی افراطی‌ترین شکل این خشونت است و همه‌ی طبقات اجتماعی، عقاید و ایدئولوژی‌ها را در بر می‌گیرد؛ اما علاوه بر این کلمه "زن کشی" یک مقوله‌ی سیاسی هم است، این کلمه وضعیت اجتماعی‌ای را محکوم می‌کند که در آن چیزی را طبیعی جلوه می‌دهد که [طبیعی] نیست: خشونت جنسیتی و خشونت جنسیتی یک موضوع حقوق بشری است.

بنابراین از یک فرهنگ خشونت علیه زنان صحبت می‌کنیم. ما در مورد مردانی صحبت می‌کنیم که فکر می‌کنند زن مال آنهاست و بر او حق دارند، [مردانی که فکر می‌کنند] می‌توانند هرکاری می‌خواهند بکنند و زمانی که زن "نه" بگوید تهدیدش می‌کنند، کتکش می‌زنند و او را می‌کشند تا جلوی "نه" گفتنش را بگیرند.

زن کشی این است: تاثیرگذاری بر بدن زنان با خشونت تا به مثابه تهدید برای زنان دیگر باشد؛ برای اینکه نتوانند نه بگویند، برای اینکه از استقلال خود دست بکشند.

اگرچه اکثریت زنانی که در اینجا ذکر می‌کنیم توسط مردی از نزدیکانشان به قتل رسیده‌اند، اما زن کشی امر خصوصی نیست، بلکه حاصل یک خشونت اجتماعی و فرهنگی است که گفتمان‌های عمومی و رسانه‌ای هر بار که زنی را "فاحشه" خطاب می‌کند به آن مشروعیت می‌بخشند، هر بار که به زنی برای اینکه آزادانه به تمایلات جنسی خود عمل می‌کند فاحشه می‌گویند، یا هر بار که به خاطر اندازه بدنش قضاوتش می‌کنند، هر بار که برای اینکه نمی‌خواهد بچه‌دار شود با ظن به او می‌نگرند، هر بار که جایگاه او را به همسر یا مادری خوب که برای یک مرد مقدر شده تقلیل می‌دهند.

<sup>1</sup> در مصاحبه‌ی پیشین که از جودیت باتلر آورده شد، باتلر از سازمان NI UNA MENOS در آرژانتین می‌گوید. این اولین مانیفست این سازمان است که برای آشنایی بیشتر با اهداف آن در اینجا ترجمه شده است.

زن کشی نوع خاصی از خشونت است: یک موضوع خصوصی یا خانگی یا فقط مربوط به زنان نیست. در بسیاری از زن کشی‌ها، فرزندان زن هم برای مجازات این زنان و توانایی خاص‌شان در زندگی بخشیدن کشته شده‌اند.

امر خصوصی، سیاسی است.<sup>2</sup> هر زنی که جسارت دارد بگوید دیگر بس است، هر زنی که می‌خواهد از قربانی شدن دست بردارد تا به نجات یافته تبدیل شود، کل ساختار خشونت جنسیتی را به چالش می‌کشد. اما این آسیب‌پذیرترین لحظه‌ی اوست، اینجا زمانی است که با غیظ سعی می‌کنند او را مجازات کنند و در همین زمان است که بیشترین نیاز را به کمک دیگر زنان و مردان دارد تا به تصمیم خود پایبند باشد: شبکه‌های عاطفی، اجتماعی، یاری دولت و یک فعالیت سیاسی قدرتمند که مصرانه به او بگوید که تنها نیست و او مقصر نیست. برای اینکه این "بس است" که سرانجام توانست آن را بیان کند در گذر زمان پایدار بماند. این همان کاری است که ما امروز، اینجا، در این میدان عمومی انجام می‌دهیم.

خشونت در محیط خانه با مسائل اجتماعی پیوند خورده که باید در حوزه سیاست مورد بحث قرار گیرد. برخلاف جرم‌های دیگر، زن کشی را می‌توان در یک زنجیره بررسی کرد: جنایات تقریباً مشابه را در کل کشور می‌بینیم.

برای همین بر حق "نه" گفتن به آنچه که مطلوب نیست تاکید می‌کنیم: شریک زندگی، بارداری، عمل جنسی، یک شیوه‌ی زندگی از پیش تعیین شده. بر حق "نه" گفتن به تسلیم و اطاعت در برابر الزامات اجتماعی تاکید می‌کنیم. و چون "نه" می‌گوییم، می‌توانیم به تصمیم در مورد بدن‌هایمان، زندگی عاطفی‌مان، جنسیت‌مان، مشارکتمان در جامعه، در کار، در سیاست و در همه‌ی بخش‌ها آری بگوییم.

دو

زن کشی‌ها نباید به عنوان مشکلات امنیتی تلقی شوند و مبارزه با آنها مستلزم یک پاسخ چندجانبه، از سوی همه قوای حکومتی و تمام مصادیق ملی، استانی، شهری آن است - اما همچنین نیازمند یک پاسخ از سوی جامعه مدنی است. مخصوصاً پاسخی از سوی روزنامه‌نگاران زن و مرد و متخصصین علوم ارتباطات [زن و مرد]، همان کسانی که بازخواست‌های عمومی را شکل می‌دهند.

در سال 2009 کنگره‌ی ملی قانون حمایت همه جانبه از زنان، قانون شماره 26485 را با اکثریت قاطع (174 رای موافق و 3 رای ممتنع) به عنوان گامی مهم در مبارزه با خشونت جنسیتی تصویب کرد. با این حال، هنوز برخی از ماده‌قانون‌ها، از جمله "برنامه ملی اقدام برای پیشگیری، کمک و ریشه‌کن کردن خشونت علیه زنان" در انتظار تنظیم است.

بدون تنظیم کامل قانون، طراحی سیاست‌های جامع و تخصیص بودجه‌ی لازم برای اجرای آن، دستاورد سال 2009 برای کاهش خشونت ناکافی است.

<sup>2</sup> "امر شخصی، سیاسی است" یکی از شاخص‌ترین شعارهای جنبش فمینیست‌ها در سال‌های 60 و 70 بود.

در کشور خطاهای تلفن و دفاتر تخصصی برای راهنمایی و کمک به قربانیانی که از خشونت مایه‌جویی رنج می‌برند وجود دارند که اگر با سیاست‌های جامع همراه نباشد راه به جایی نمی‌برند.

در آرژانتین هیچ ثبت رسمی‌ای از زن‌کشی‌ها وجود ندارد. داده‌هایی که در اینجا ذکر می‌کنیم سال به سال توسط سازمان غیر دولتی "کاسا دل انکوئنترو"<sup>3</sup> جمع‌آوری شده است. ارجاع به یک آمار رسمی خیلی مهم است.

در کل قوه قضائیه نقشی ناکارآمد در پاسخگویی به قربانیان دارد. در بسیاری از حوزه‌های قضایی، این قربانیان هستند که باید شکایت کنند و سپس برای شکایتی که در مرکز پلیس انجام داده‌اند، ادله ارائه کنند. این سیستم شکایت دوباره بنا را بر بی‌اعتمادی دستگاه قضا بر زنان گذاشته و به مصونیت متجاوز کمک می‌کند. ارائه مدارک و شواهد کاملاً به عهده قربانیان است و اگر آن را انجام ندهند، پرونده‌ها مسکوت می‌مانند و بعد بایگانی می‌شوند. این مدل از مدیریت قضایی خشونت علیه زنان آسیب‌پذیری آنها را افزایش می‌دهد و تضمین‌کننده اقدامات تأثیرگذار نیست. با مصون کردن متجاوز، قوه قضائیه نوع دیگری از خشونت را بر دوش شاکی اضافه می‌کند: خشونت نهادی. بسیاری از قربانیان زن‌کشی قبلاً بارها از قاتل شکایت کرده بودند یعنی به شکایت این همه زن بی‌تفاوت بوده‌اند. این انفعال نمی‌تواند ادامه یابد.

زنانی هستند که به خاطر بیان تصمیم‌هایشان کتک خورده‌اند یا کشته شده‌اند. زنان دیگری ناپدید شده‌اند، قربانیان جرائمی با هدف بهره‌کشی جنسی یا کاری که سرنوشتشان همچنان نامعلوم است. راجع به برخی از این زنان گمشده به طرح‌های مافیایی با مشارکت سیستم قضایی و نیروهای امنیتی شک می‌رود. برای آنها هم خواستار اجرای عدالت هستیم.

طرز برخورد بیشتر رسانه‌ها هم با این معضل باید به طور کلی تغییر پیدا کند: در بسیاری موارد گناه این سرنوشت را به گردن قربانیان می‌اندازند: از لباس پوشیدنشان، دوستانشان و تفریحاتشان صحبت می‌کنند. در نهایت "حتماً [خودشان] کاری کرده‌اند" را مطرح می‌کنند. ما به رسانه‌های متعهد به تدوین پروتکل‌ها، [و متعهد] به رعایت پروتکل‌های موجود و کدهای اخلاقی برای پوشش خبری اینگونه موارد نیاز داریم.

تلویزیون تصاویر و کلماتی را تکرار می‌کنند که زنان را در موقعیت عدم تساوی، سلطه و تبعیض قرار می‌دهد. کلیشه‌ها را تکرار می‌کند. رفتار رسانه‌ای در قبال پرونده‌های دختران و زنان کشته یا ناپدید شده، همراه با تجاوز به حریم خصوصی قربانیان و اصرار بر افشای شیوه عمل قاتل، به عادی شدن زن‌کشی یا تبدیل شدن آن به یک ورودی برای اینکه این نمایش ادامه یابد کمک می‌کند و همین به بازتولید آن کمک می‌کند.

ما، با درد فزاینده‌ی تمام قربانیان می‌گوییم "نه یک [زن] کمتر" (Ni una menos)<sup>4</sup>

این جنبش عظیم، این مشارکت اجتماعی وسیع و متعهدانه، یک فریاد یکپارچه است.

<sup>3</sup> Casa Del Encuentro به فارسی "خانه/محل ملاقات" یک سازمان غیردولتی است که در ابتدا در اکتبر سال 2003 با هدف دفاع از حقوق زنان در آرژانتین شکل گرفت.

<sup>4</sup> به انگلیسی "Not One Less" یعنی حتی یک زن دیگر هم نباید بخاطر خشونت جنسی کشته/کم شود. این شعار در آرژانتین علیه خشونت و برای اعتراض به کشته شدن زنان به سبب جنسیتشان شروع شد.

این راهی است که در همه میادین کشور با بسیج همگانی، با درد مشترک، با دغدغه و نیاز اضطراری برای راهاندازی اقدامات هماهنگی برای مقابله با معضل [خشونت جنسی] می‌یابیم؛ از ریشه -فرهنگ مردسالارانه- و تا آخر زنجیره: زن کتک‌خورده، زن کشته‌شده.

دولت و قدرت‌های واقعی به همراهی با شهروندان باید به تکمیل ابزارهای مبارزه با خشونت علیه زنان متعهد بشویم، باید تلاش‌های جدیدی به تلاش‌های سازمان‌های زنان، فمینیست‌ها، سازمان‌های غیردولتی و افراد متعهد که مدت‌هاست در این زمینه کار می‌کنند، بپیوند.

مسئله این است که حقوق برخی از زنان، حقوق همه‌ی افراد است. حفاظت از زندگی و تصمیمات زنان یعنی گسترش آزادی برای همه زنان و مردان دیگر. بیاییم با هم راه‌های جدیدی برای همزیستی، راهکارهایی برای هر بار بهتر بافتن تار و پود زندگی جمعی بیابیم. دیگر اشک‌های جاری از درد نمی‌خواهیم بلکه پیشرفت بیشتر برای جشن گرفتن می‌خواهیم. دیگر زن مُرده در نتیجه‌ی زن‌کشی نمی‌خواهیم. همدیگر را زنده می‌خواهیم. همه را، #NiUnaMenos (نی اونا منوس، نه یک زن کمتر).

سه

بنابراین برای حرکت به سمت "نه یک [زن] کمتر" (Ni una menos) خواستار مواردی غیر قابل اجتناب هستیم:

1. اجرای کامل "قانون حمایت همه جانبه برای پیشگیری، مجازات و ریشه‌کنی خشونت علیه زنان در محیط‌هایی که [خشونت] روابط بین فردی رشد می‌کند" و تخصیص بودجه بر اساس قانون شماره‌ی 26485 و پس از آن اجرای طرح ملی.
2. جمع‌آوری و انتشار آمارهای رسمی خشونت علیه زنان که شامل شاخص‌های زن‌کشی است.
3. افتتاح و راهاندازی کامل دفاتر مبارزه با خشونت خانگی دیوان عالی در تمامی استان‌ها با هدف تسریع اقدامات حفاظتی پیشگیرانه، فدرال کردن خط 137<sup>۵</sup>.
4. تضمین برای محافظت از قربانیان خشونت. اجرای نظارت الکترونیکی بر مجرمین برای اطمینان از اینکه به محدودیت‌های نزدیک شدن به قربانیان که توسط دادگستری وضع شده تجاوز نمی‌کنند.
5. تضمین دسترسی قربانیان به عدالت. رسیدگی توسط پرسنل آموزش‌دیده برای دریافت شکایات در دادسراها و مراکز پلیس. ایجاد چرخه میان دادرسی مدنی و کیفری. حمایت قانونی رایگان برای قربانیان در تمام طول فرآیند قضایی.
6. ضمانت بر اجرای حقوق کودکان با حمایت قضایی تخصصی و آموزش‌دیده در همین زمینه.
7. ایجاد خانه/سرپناه‌های بیشتری برای مواقع اضطرار، "خانه‌های روز"<sup>۶</sup> برای قربانیان، و یارانه‌های مسکن، با کمک‌های میان‌سازمانی از منظر جنسیتی.

<sup>۵</sup> خط تلفنی 24 ساعته ملی و رایگان در آرژانتین برای پاسخ به قربانیان خشونت خانگی یا جنسی.

<sup>۶</sup> مراکز تخصصی برای پشتیبانی و کمک به قربانیان خشونت جنسی.

8. قرارداد دادن و درونی کردن آموزش جنسی صحیح و در ماده‌های آموزشی در سطوح مختلف با رویکرد جنسیت، مسئله‌ی خشونت ماچیستی و ایجاد دوره‌های خشونت جنسیتی برای جلوگیری از رابطه‌های عاطفی خشونت‌بار.

9. آموزش اجباری کارمندان دولتی، ماموران امنیتی و متصدیان قضایی و همچنین متخصصانی که در موارد مختلف به شکل رسمی در تمام کشور به نحوی با موضوع خشونت سر و کار دارند.

تمامی اقدامات نیازمند ایجاد موارد نظارت و پیگیری برای اجرای موثر آنها هستند. ریشه‌کن کردن خشونت علیه زنان می‌تواند سخت باشد اما غیرممکن نیست. "نه یک [زن] کمتر" یک فریاد جمعی است، ورود به جایی‌ست که قبلاً دیده نمی‌شد، بازنگری رویه‌های خویش است، شروعی است برای نگاه متفاوتمان به یکدیگر، یک تعهد اجتماعی برای ساختن یک "نونکا مس"<sup>7</sup> است.

تکرار می‌کنیم:

ما نمی‌خواهیم زنان بیشتری قربانی زن‌کشی باشند. ما تک‌تک زنان را زنده می‌خواهیم. همه را. # نه یک [زن] کمتر.

---

<sup>7</sup> Nunca Más به انگلیسی Never again به عنوان یک شعار سیاسی برای حرکت‌ها و اعتراض‌های متفاوت اجتماعی و سیاسی از جمله بزرگداشت کودتای 1976 آرژانتین، ترویج کنترل اسلحه یا حقوق سقط جنین، استفاده شده است.